

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۴ سپتمبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

بیگانگان اداری و فرهنگی



فرهنگ لایه‌های مختلف دارد. ما در خانه، در مسجد، در مکتب و در اداره لباس‌های گوناگون را می‌پوشیم ولی در عین حال پوشش ما در کل ویژگی‌هایی دارد که افغانستان را مثلاً از ایران یا پاکستان متفاوت جلوه می‌دهد.

پوشش اداری افغانستان به پیروی از سلیقه، آبهوا و انتخاب‌های اجتماعی و سیاسی ما در طول زمان ویژگی‌هایی یافته است که ما را از پاکستان متفاوت می‌کند. مثلاً در ادارات ما کسی به ندرت با پای بدون جوراب ظاهر می‌شود، به خصوص اگر او مقامی داشته باشد. اگر پیراهن تنبان بپوشد و مولوی هم باشد جوراب به پا می‌کند.

چپک و چپلی هم در افغانستان رایج است. در جلال‌آباد، بخش‌هایی از کابل و دیگر مناطق جنوبی چپلی بسیار پوشیده می‌شود ولی پوشیدن آن در ادارات و از سوی مقامات اداری حتی در آن مناطق نیز عام نیست. در جلال‌آباد و برخی مناطق جنوب شرقی دیگر چپلی پاکستانی پس‌بنددار نیز در زندگی غیر اداری رایج است و به طور وسیع استفاده می‌شود که طبیعی است، هم به دلیل رفت‌وآمد مردم به پاکستان و هم به دلیل آبهوای این مناطق.

آبهوا گفتیم چون چپلی در مناطق گرم مرطوب پوشش ارزان، بادوام و راحت است، اما در مناطق معتدل یا سردی که هوای خشک دارد پوشیدن چپلی طور دوامدار ممکن نیست، زیرا باعث ترکیدگی پا و تکلیف‌های بسیار می‌شود. ازینرو چپلی باوجود رایج بودن در بخش‌هایی از کشور در سراسر ملک ما و در ادارات استقبال نشده است.

اما در پاکستان چپلی بخشی از یونیفورم ملی‌شان است. مقامات بلندپایه می‌پوشند، عمران خان بسیار و در سفرهای خارجی نیز چون نماد کشورش می‌پوشد. مهم‌تر از آن چپلی و پاهای برهنه از جوراب بخشی از یونیفورم ملیشه‌های پاکستان است.

حال، تعدادی که طالبان را به خاطر نزدیکی با "فرهنگ" روستائی افغان‌ها بومی‌تر و نزدیک‌تر با مردم می‌دانند و ازین جهت امیدهایی به آنان بسته‌اند، متوجه این ظرافت نیستند که فرهنگ افغانستان تنها به روستا و مناطق نزدیک به پاکستان محدود نمی‌شود، بلکه لایه‌های گوناگون دارد. در بخش اداری ما صاحب‌کودهای فرهنگی هستیم که طی سال‌ها شکل گرفته است و از سلیقه، آبهوا و سرگذشت جمعی ما نشأت می‌گیرد. در بخش اداری ما اگر سنتی هم شویم بدون جوراب و با چپلی پس‌بنددار پاکستانی نمی‌رویم بلکه بوت و جوراب می‌پوشیم. مهم‌تر از آن یک‌دست چون پاکستانی‌ها چپلی ملیشه‌ئی نمی‌پوشیم بلکه تنوع داریم. هم‌بوتی و هم‌چپلی بودن در ادارات افغانستان کمتر اتفاق می‌افتد.

این نشانه‌ها مهم اند، زیرا رابطه و درک طالبان را از جامعه‌ای که می‌خواهند بر آن حکومت کنند، آشکار می‌سازد. بیگانگی آنان را با نیاز، محیط، سلیقه و فرهنگ مردم ما فاش می‌کند. ذهنیت طالبان نیز این‌گونه با ما تفاوت دارد. بیشتر روستائی پاکستانی‌زده است تا روستائی کابل‌دوست. از همین‌رو آنان با نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی ما سر‌آشتی ندارند و همیشه با آن‌ها در جنگند.

تعدادی نکتائی‌پوشی را نشانه بیگانگی می‌خوانند، ولی واقعیت این است که چپلی‌پوشی و بی‌جورابی در ادارات افغانستان بیگانگی است نه نکتائی‌پوشی. آدم نکتائی‌پوش در ریاست پوهنتون کابل نه دهاتی را به حیرت می‌اندازد و نه افغان شهری را؛ نه غربی‌ها از دیدن چنان آدم اظهار تعجب می‌کنند و نه حتی پاکستانی‌ها. اما دیدن یک کلاه‌سفید بی‌جوراب، واسکت‌کشال چپلی ملیشه‌ئی در رأس پهن‌تون حتی کسانی را در میان رهبری طالبان متعجب ساخته است و مطمئنیم هم‌قریگی‌های "غنی غیرت" نیز به نقش و مقام او خندیده‌اند!